

الحسنی التي اعزها بالعبادته حيث دخل مع حديثه نيز ملكه معنی آیه قرآن است
خیا هم مصنف رحمه الله تعالی اثرت با برادر موصول رسیده است و دیگر با
میانه این سخن که قولی است و عنوان اسما در کلام مصنف رحمه الله تعالی شده است
چرا که اسما را الله که در حدیث اصلا نیست مگر آنکه اسما را الله را عنوان کرده است
لفظ تقدیر را مقدر کنیم پس تسبیح اسما کانیته بعد متبادر باشد و این احصا
دخول الحقیقه خبر بالقدای کانیته تقدیر خبر و من احصا خبر بعد خبر و برین تقدیر خبر
معنی لفظ حدیث قطع نظر از آنکه او را می باید در اکثر علماء در میان معنی احصا برین اند
که هر که با دیگر در آن اسما را بطریق دیگر تسبیح و در سبب دل و سبب الهی صحیح بر آنکه در
روایت دیگر است از آنجا که معنی احصا یا هر که بخواهد آن اسما را در این هر دو معنی احصا
عام است خاص و عام را و قبل هر که باشد در آن اسما را در حال که عام است بمعنی آن
اسما در قبل هر که طلب کند آن اسما را در قرآن و در حدیث صحیح یا فروع که از قرآن
و از آن احادیث آن اسما را در این چهار معنی مناسب است صحیح است که در آن
روایت تفصیل این اسما نیست و این هر دو معنی خاص است یعنی و قبل هر که طلب
رعایت حرمت آن اسما در در و متعلق بعمل حتی المقدور در مقتضای معانی آن
اسما کرده و در حدیث هر دو است مخلوق یا مخلوق الله و معنی تخم هم مخصوص
با و این مثلا هر که بگوید بر الملک بر آنکه حکمت است با آنها ملک است پس بر آن
معنا که گفته با وجهی که معنی میکند نیز با با و است و عزیز با برود است که مخلوق در غیر
اسم و در حدیث از اسما در صفات و تعلق که عبارت است از عمل بعضی است
هر اسمی که طاعت عام است در جمیع اسما است و معنی خلق صفات و در حدیث
خدا تعالی است که بر تویی از صفات خدا تعالی را بر مینماید مثل او است

آنرا

آنرا ای افند که صفات بنام مثل صفات خدا تعالی میگردند زیرا که علم و قدرت
که از صفات خدا تعالی است حقیقت آن دیگر است در تویی از این دو صفت
که بر مینماید ای افند نه مثل آن دو صفت خدا است که در جمیع وجه هر دو صفت است
و خدا را در آن رکت باشد و تعالی را عن ذلک علوا کثیرا با برود است که
اسما را الله تو نیست یعنی حروف است بر اسم او از این شروع پس هر اسمی که
در شروع اظهارش بر خدا آمده است همان اسم با برود است نه اسم دیگر آن
معنی آن اسم باشد مثلا خدا را عالم گویند عاقل بر او گویند سخی بر او گویند
نه طلب قول که لا یخفها الخ بعد است از قول او این احصا را در داخل الحقیقه در این
که مخصوص است بصحیح بخار در حدیث مصحح بر فرقی در آن است کرده است ای
یا دیگر در آن اسما را هیچ احدی که آنکه داخل کرده در حدیث صحیح که او گویند خدا
مصحح صحیح است درین که اسما صحیح همین نود و نه نام است پس بر مینماید
عام است و بسیار حال الله تعالی یا ما ندر عوالمه و الاسماء الحسنی که بر او است
است که اسما حسنی که احصا در آن اسما سبب قول جنت است همین نود و نه
نام است پس قول من احصا نام در معنی صفات است بر آن اسما را مانند نود و نه
عشده علمانی یقولون معنی آیه این علم را زیاد در حدیث و استقبال است
امیر با از غلانی بسیار امیر همین ده علم که سبب بر اسمها است او حاجت است
و دیگران نیست و دیگر آنکه تفضیل بر اسم عدو است که می باشد بر طرف
زیاد است ملک برای عرضه دیگر مانند زیاد لا یضیق تخری با است اگر گویند
اسم اعظم که خارج است ازین اسما پس غیر اسم اعظم هر که مخصوص است با این
شرف و در داخل است درین اسما پس اختصاصی صورت اسم اعظم بر این با و

Copyrighted by University